

ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۴۳
۲۵ اسفند ۱۳۹۹ / ۱۵ مارس ۲۰۲۱

حقوق ما

معضل مین ، قوانین داخلی و

معاهدات بین المللی

در این شماره می‌خوانید:

* مین‌های ضد نفر، فجایع ضد انسان

* دومین کشور آلوده به مین، «اراده سیاسی و دانش فنی کافی» برای پاکسازی ندارد

* مین‌ها؛ قاتلان خاموشی که در دل زمین کمین کرده‌اند

* در کردستان در هر خانه به یک میدان مین باز می‌شود

* میراث خون‌بار جنگ و پرونده‌های معطل مانده قربانیان مین

* آلبوم عکسی از بهنام صادقی

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نقی محمودی، جواد عباسی توللی، علی اصغر فریدی

عکس روی جلد: بهنام صادقی

صفحه بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



الزام آور است که کشورهای عضو موظف به رعایت مفاد آن هستند. ولی از سوی دیگر، الزامی به پیوستن دیگر کشورها به معاهده مذکور وجود ندارد و کشورهای عضو نیز هر زمان که اراده کنند می‌توانند از کنوانسیون خارج شوند.

مرجع شکایت قربانیان مین در ایران

مرجع صالح به رسیدگی شکایات قربانیان مین، کمیسیون ماده ۲ در فرمانداری‌ها عنوان شده است. کمیسیون مذکور با هشت عضو، از جمله نمایندگان ارگانهای نظامی و امنیتی و بنیاد شهید و امور ایثارگران، تشکیل می‌شود. کمیسیون ماده ۲ مستقر در فرمانداری که مرجع تصمیم‌گیری درباره احراز جانبازی یا شهادت قربانیان مین است، بدون دعوت و استماع شکایت و اظهارات شکات، بازماندگان و نماینده قانونی و یا وکلای آن‌ها، اتخاذ تصمیم می‌کند.

این کمیسیون در فرمانداری محل حادثه تشکیل می‌شود، مدارک ارائه شده از طرف قربانی را بررسی می‌کند و بعد تصمیم می‌گیرد که فرد قربانی شهید یا جانباز محسوب می‌شود یا خیر. اگر کمیسیون ماده ۲ رای به جانبازی فرد مصدوم داد، بنیاد شهید به فرد مصدوم مستمری می‌پردازد، اما اگر جانباز محسوب نشود تحت پوشش ارگان‌های حمایتی دیگر از جمله کمیته امداد یا بهزیستی قرار می‌گیرد.

مشکلی که قربانیان مین با آن دست به گریبان هستند عدم امکان ثبت شکایت در سیستم فعلی رایانه‌ای دادگستری است. کارمندان دفاتر خدمات حقوقی در موقع تحویل شکایت مدعی می‌شوند که در سیستم الکترونیک دادگستری، شکایت از طریق کمیسیون ماده ۲ مستقر در فرمانداری‌ها تعریف نشده است. حتی زمانی که به نحوی از انحاء، شکات یا وکلای آن‌ها توانسته‌اند از این خوان هم عبور کنند، با مشکلات دیگری مواجه شده‌اند. یکی از وکلای فعال در حوزه قربانیان مین اظهار داشته است که برای ثبت شکایت یکی از کودکان مجبور شده گزینه‌ای را که به نظر نزدیک‌ترین مورد به درخواست‌شان در این دفاتر وجود داشت برای ثبت شکایت استفاده کند: «از گزینه الزام بنیاد شهید و ایثارگران به احراز شهادت استفاده کردم. گرچه این گزینه گزینه بی‌ربطی است اما چاره‌ای نبود و حالا باید منتظر نظر دیوان عدالت اداری باشیم.»

حتی در مواردی که رأی کمیسیون ماده ۲ فرمانداری صادر شده است، بنیاد شهید و ایثارگران به عنوان طرف شکایت، حاضر به اجرای مفاد رای کمیسیون نیستند. به ناچار، برخی از قربانیان مجبور می‌شوند تا کمیسیون ماده ۱۶ را طرف شکایت خود اعلام کنند ولی طبیعتاً در کمیسیون مذکور، نظر به این که بیشتر اعضا نماینده بنیاد شهید و ایثارگران هستند، به نفع بنیاد رأی می‌دهند.

در حوزه‌ی مطالبه دیه هم وحدت رویه وجود ندارد و بعضاً

شبهه‌ی نفی و انکار در پیش گرفته شده و با امنیتی تلقی کردن موضوع، اطلاع‌رسانی در بحث آمار قربانیان محدود می‌شود و آموزش‌های لازم به افراد تحت خطر داده نمی‌شود. اگر اقداماتی در این راستا صورت می‌گیرد، بسیار محدود و بیشتر مختص به شهروندان کنشگر بوده است.

مین‌های ضد نفر، فجایع ضد انسان



نقی محمودی

فاجعه‌ی جنگ افروزی حاکمان کشورها، تنها به کشتار، معلولیت و ویرانی در زمان جنگ محدود نمی‌شود بلکه دامنه‌ی آن حتی بعد از پایان جنگ‌ها، گریبانگیر انسان‌هایی است که در مناطق جنگ‌زده و مین‌گذاری شده زندگی یا کار می‌کنند.

زمانی که سخن از تلفات مین است، اولین کسانی که در مرکز توجه قرار می‌گیرند، آسیب‌دیدگان اصلی حادثه هستند؛ در حالی که در اثر انفجار مین ممکن است یک یا چند خانواده قربانی عوارض و پیامدهای جسمی، روحی و حتی مالی شوند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ روز چهارم آوریل را روز اطلاع‌رسانی در مورد خطرات مین و اقدام علیه تلفات مین نام‌گذاری کرد. در این روز برای روشننگری در خصوص خطرات مین برای مردم ساکن در مناطق مین‌زده، در همه نقاط آلوده به مین در جهان نمایشگاه‌ها و کارگاه‌های آموزشی از طرف نهادهای دولتی و بین‌المللی برگزار می‌شود.

در این فرصت تأثیرگذار از مصدومان مین و افراد شاغل در امر پاک‌سازی میادین دعوت به عمل می‌آید تا در امر اطلاع‌رسانی در مورد خطرات مین و همچنین بالا بردن ضریب آموزشی جامعه اقدام کنند و خطر مین را در جهان یادآور شوند ولی در ایران، مثل بسیاری از مسائل دیگر، در این مورد نیز

حقوق قربانیان مین در آئینه‌ی اسناد بین‌المللی

حقوق قربانیان مین در سال ۱۹۹۷ مورد توجه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قرار گرفت. در همین سال در اتاوا، پایتخت کانادا، پیمان موسوم به پیمان منع استفاده، نگهداری، ساخت، و جابه‌جایی مین ضد نفر و نابودی این‌گونه مین‌ها تصویب شد.

تا به حال ۱۶۴ کشور به پیمان مذکور ملحق و به اجرای مفاد و مقررات آن متعهد شده‌اند. اما ۳۱ کشور عضو سازمان ملل متحد از جمله ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، ایران، امارات متحده عربی، اسرائیل، هند، عربستان سعودی و... عضو پیمان اتاوا نیستند. در این پیمان، کشورهای عضو بر منع بکارگیری مین‌های ضد نفر، انهدام ذخایر مین‌های ضد نفر، جلوگیری از گسترش، تولید، فروش یا جابجایی مستقیم و غیرمستقیم به دیگر کشورها تأکید کردند.

کنوانسیون منع به کارگیری مین‌های زمینی یک معاهده‌ی



بخشی از دادگاه‌های نظامی به نفع قربانی رأی می‌دهند و بعضی به ضرر او. بعضی از این دادگاه‌ها رأی به عدم صلاحیت خود صادر می‌کنند یا کمیسیون‌ها تصمیم می‌گیرند و بنیاد می‌گوید چون قربانی دیه گرفته دیگر تحت پوشش ما نیست و این موانع چندوجهی باعث شده قربانیان مشکلات بسیاری را تحمل کنند.

ایران و کنوانسیون اوتاوا

هشت سال جنگ میان ایران و عراق و همچنین مین‌گذاری برخی از گذرگاه‌های مرزی ایران توسط جمهوری اسلامی، ایران را در جایگاه دومین کشور آلوده به مین بعد از کشور مصر قرار داده است.

با توجه به این مسئله ضرورت پیوستن جمهوری اسلامی ایران به پیمان اتاوا حائز اهمیت زیادی است تا بدین وسیله هم از تجربیات کارشناسان سازمان ملل متحد استفاده شود و هم روشنگری و اطلاع‌رسانی لازم برای افراد ساکن در مناطق آلوده به مین مهیا گردد. از سوی دیگر، پیوستن به این معاهده کمک می‌کند تا حقوق قربانیان مین، توسط دولت و نهادهای مربوطه تامین شود. اما جمهوری اسلامی ایران،

سعی می‌کند با توجیهاتی که صرفاً کاربرد نظامی و جنگی داشته و از رویکرد انسانی و عدالت به دور است، محملی برای استنکاف از امضاء و تعهد به اجرای مفاد و مقررات پیمان اتاوا بتراشد؛ از جمله این استدلال‌هاست که از مین برای متوقف کردن، محدود نمودن حرکت دشمن و حفاظت از مرزها استفاده می‌شود و با حذف مین از میان سلاح‌های موجود، قدرت دفاعی کشور کاهش می‌یابد. حکومت گاه می‌گوید که اصول استاندارد مین‌گذاری شامل کاشت مهندسی، نقشه‌برداری، حصارکشی، علامت‌گذاری و اطلاع‌رسانی به جمعیت محلی را به صورت استاندارد انجام می‌دهند و مین‌گذاری هیچ خطری برای جمعیت محلی نخواهد داشت! آمار قربانیان مین در ایران نشان می‌دهد که چنین ادعایی صحیح نیست. در پایان پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران، از اقدام به کاشت مین‌های ضد نفر در خطوط و گذرگاه‌های مرزی که یک عمل مغایر با حقوق انسان‌هاست اجتناب کرده و در صورت لزوم از سایر تجهیزات پیشرفته‌ی نظامی برای کنترل نوار مرزی استفاده کند. همچنین در خصوص اصلاح قوانین و تسهیل امکان شکایت و بهره‌مندی شکات و بازماندگان آن‌ها از خدمات حقوقی لازم، اقدام‌های لازم صورت گیرد.

دومین کشور آلوده به مین، «اراده سیاسی و دانش فنی کافی» برای پاکسازی ندارد



جواد عباسی تولی

نمودند.

این گفته‌های وزیر دفاع ایران در حالی است که جمهوری اسلامی ایران دهه‌هاست از پیوستن به معاهدات بین‌المللی در زمینه مین زدایی از جمله «کنوانسیون اتاوا» خودداری می‌کند.

فارغ از این موضع رسمی، نهادهای امنیتی در یک برنامه ریزی از پیش تعیین شده هرگونه مشارکت مردمی در زمینه پاکسازی مناطق آلوده به مین را مضر تلقی کرده و با فعالان مدنی این عرصه برخورد می‌کنند.

«کانون مشارکت در پاکسازی مین» اولین نهاد مدنی در زمینه تلاش برای مین زدایی در ایران است که در سال ۱۳۸۴ با همت شیرین عبادی، حقوق‌دان و برنده جایزه نوبل صلح و جمعی از هم‌فکران او تأسیس شد. این نهاد مدنی در سال‌های بعد، «آموزش‌های ایمنی جهت پاکسازی مناطق آلوده به مین»، «حمایت از شهروندان غیرنظامی آسیب دیده از انفجار مین» و «جذب کمک‌های ملی و بین‌المللی جهت انتقال دانش، تجارب و تکنولوژی در پاکسازی مناطق آلوده به مین و جبران آسیب ناشی از مین» را در دستور کار خود گذاشت.

«کانون مشارکت در پاکسازی مین» دردی ماه ۱۳۷۸ و به دنبال یورش مأموران امنیتی به دفتر «کانون مدافعان حقوق بشر» که هر دو در یک مکان بودند، تعطیل شد.

چرا حکومت جمهوری اسلامی ایران از مشارکت سازمان‌های

ایران دومین سرزمین آغشته به مین است و طبق اعلام منابع رسمی، بزرگترین قربانی مین‌های زمینی در جهان محسوب می‌شود. این در حالی است که نهادهای امنیتی در سال‌های گذشته از تشکیل هرگونه نهادهای مردمی در زمینه پاکسازی میادین مین و کمک‌رسانی به قربانیان مین جلوگیری کرده‌اند. امیرحاتمی، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در روزهای اخیر در پیامی به مناسبت «روز جهانی آگاهی از خطر مین و کمک به اقدام علیه آن»، اعلام کرد: «در طول هشت سال جنگ با رژیم بعث عراق، مساحتی در حدود ۴۲۰۰۰ کیلومتر مربع از کشور به ۲۰ میلیون انواع مین و مواد منفجره آلوده شده است.»

به‌گفته این مقام نظامی، در حال حاضر ایران بزرگترین قربانی مین‌های زمینی است. حاتمی اما بدون ارائه هیچ توضیحی درباره دلایل مین‌گذاری مجدد مرزهای شرقی و غربی توسط نهادهای نظامی از جمله سپاه پاسداران در سال‌های گذشته، گفت:

«متأسفانه همان کشورهایی که در طول سال‌های جنگ علیه ایران به دولت عراق در همه زمینه‌ها از جمله مین‌های متنوع، کمک کردند، در سال‌های پس از جنگ نیز به هر بهانه‌ای از کمک به کشور ما برای برطرف کردن این معضل امتناع نموده و یاری تکنولوژیکی خود از مردم صلح دوست ایران را دریغ

مردم نهاد در زمینه کمک رسانی به پاکسازی مناطق آلوده به مین جلوگیری می‌کند؟ چرا ایران از پیوستن به کنوانسیون اتاوا خودداری می‌کند؟ چرا نهادهای نظامی همچون سپاه پاسداران در سال‌های پس از جنگ، به‌ویژه در بخش‌هایی از مرزهای شرقی کشور اقدام به مین گذاری کرده‌اند؟ «حقوق ما» با طرح پرسش‌های از این دست گفت‌وگویی را با شیرین عبادی ترتیب داده است.

حقوق ما: به نظر شما چرا ایران از پیوستن به کنوانسیون اتاوا خودداری می‌کند؟ ملحق شدن دولت ایران به این معاهده بین‌المللی چه دستاوردها و منافع برای مردم ایران به دنبال خواهد داشت؟

عبادی: علت اینکه دولت ایران تاکنون به کنوانسیون اتاوا نپیوسته این است که ایران هم تولید کننده مین است و هم مصرف‌کننده آن. همچنین گزارش شده ایران در مواردی هم مین به کشورهای دیگر صادر می‌کند. به عبارتی حکومت جمهوری اسلامی همه اعمال ممنوعه را در رابطه با مین انجام می‌دهد. در نتیجه به کنوانسیون اتاوا نپیوسته است.

طبق آمارها، ایران دومین کشور آغشته به مین در جهان است. بخش عمده این مین‌ها از زمان جنگ ایران و عراق باقی مانده‌اند. تعدادی دیگر هم توسط نیروهای نظامی و در

مناطق که جنگ در جریان نبوده، کاشته شده است. به عنوان مثال چند گزارش‌گر به‌خاطر برخورد با مین در کویر، مجروح یا کشته شده‌اند. حکومت ایران ادعا می‌کند که این مین‌ها را قاچاقچی‌ها کار گذاشته‌اند و ارتباطی با آنها ندارد اما از آنجایی که بالاخره دم خروس بیرون خواهد زد و آفتاب حقیقت همیشه پشت ابرپنهان نمی‌ماند، یک پاسگاه در مناطق کویری در اطلاعیه‌ای اعلام کرد کسانی که از کویر قصد عبور داشته یا برای گردشگری به کویررفته‌اند باید برای جلوگیری از برخورد با مین، نقشه راه را از این نهاد نظامی دریافت کنند. این اطلاعیه کاملاً ثابت می‌کند که نهادهای نظامی ایران، نقشه مناطق مین گذاری شده را در اختیار دارند. یا در جایی دیگر گزارش شده در مرزهای شرقی کشور و در محدوده بلوچستان، چند نفر به دلیل برخورد با مین تا به حال مجروح و کشته شده‌اند. در آن منطقه که جنگ نبوده، این مین‌ها از کجا آمده؟ مجموعه این اخبار نشان می‌دهد دولت ایران علاوه بر زمان جنگ در زمان صلح هم برای جلوگیری از قاچاق یا ورود و خروج غیر قانونی

از مین استفاده می‌کند. در اینجا لازم می‌دانم اضافه کنم قصد من حمایت از قاچاق یا اعمال خلاف قانون نیست اما مسئولان حکومتی در ایران توجه ندارند که مین، افراد بیگناه را خواهد کشت و تا سالیان سال می‌تواند در زمین‌ها باقی بماند. به همین دلیل است که به مین لقب قاتل خاموش هم داده‌اند چرا که در زمان صلح جان شهروندان را می‌گیرد. پس یکی از دلایل عمده عدم الحاق ایران به کنوانسیون اتاوا این است که اگر دولت ایران محقق شود، باید خط تولید و استفاده از مین را متوقف کند.

علت ممنوع شدن بین‌المللی مین و ملحق شدن بسیاری از کشورها به کنوانسیون اتاوا نیز این است که تولید این وسیله جنگی، احتیاج به ابزار پیچیده‌ای ندارد و بسیار هم ارزان است اما از سوی دیگر پاکسازی و خنثی سازی مین کار دشواری است. به عنوان مثال یک مین با دو دلار تولید می‌شود اما برای پاکسازی آن بیش از هزار دلار باید صرف شود.



همچنین خنثی کردن مین نیاز به دستگاه‌های پیشرفته‌ای دارد که در اختیار برخی از کشورها از جمله ایران نیست. این ابزار پیشرفته مصرف دوگانه دارد، بدین صورت که هم می‌توان آن را در خنثی سازی مین به کار برد و هم اینکه با انجام یک سری تغییرات جزئی، در پروسه تولید برخی از سلاح‌های پیشرفته هم قابل استفاده است. از آنجایی که دولت ایران، سالیان سال است که از نظر تسلیحاتی تحت تحریم بین‌المللی قرار دارد و از طرف دیگر به دلیل اینکه به کنوانسیون اتاوا هم نپیوسته، به همین خاطر دسترسی به ابزار پیشرفته برای خنثی سازی مین هم ندارد. فایده پیوستن به کنوانسیون اتاوا این است که ضمن اینکه دولت ایران از تولید و استفاده از مین جنگی منع می‌شود، در عین حال می‌تواند از کمک‌های بین‌المللی برای پاکسازی مین استفاده کند.

تلفات مین در ایران خاص شهروندان، کشاورزان، بچه‌ها و شهروندان غیرنظامی نیست بلکه افرادی که در فعالیت‌های

مربوط به پاکسازی میادین مین شرکت دارند هم جزو قربانیان مین محسوب می‌شوند. علتش این است که دولت ایران دستگاه‌های پیشرفته و به روز برای پاکسازی مین در اختیار ندارد و هم اینکه حکومت و مسئولان پاکسازی، این موضوع را با قرارداد و از طریق مناقصه به افرادی که سابقه پاکسازی مین دارند، واگذار می‌کنند و برخی از افراد بی بضاعت، برای امرار معاش این قراردادها را در ازای دستمزد بسیار کمی، قبول می‌کنند. همچنین به دلیل اینکه ابزار پیشرفته در اختیار ندارند و بعضاً تعلیمات ضروری برای پاکسازی مین را هم قبلاً ندیده‌اند، تلفات این افراد هم بالاست.

مجموعه این مخاطرات ایجاب می‌کند تا دولت ایران به کنوانسیون اتاوا بپیوندد و هرچه زودتر شروع به پاکسازی مناطق آلوده به مین کند.

حقوق ما: چرا نهادهای نظامی ایران مناطق آلوده به مین را علامت‌گذاری نمی‌کنند؟ آیا سازوکار قانونی برای حفظ جان مرزنیسان از خطر ازدیاد میادین مین توسط سپاه پاسداران وجود دارد؟

عبادی: ابتدا باید بگویم ماده قانونی‌ای برای وادار کردن حکومت جمهوری اسلامی به پاکسازی میادین مین یا دست‌کم علامت گذاری این میادین در قوانین جاری ایران وجود ندارد.

از سوی دیگر، درباره سوال اول باید گفت دلیل نخست این است که نهادهای نظامی و امنیتی از این طریق عبور و مرور غیر قانونی را کنترل می‌کنند. دلیل دیگر هم این است که بسیاری از مین‌ها در جریان جنگ هشت ساله ایران و عراق کار گذاشته شده است. بخشی از این مین‌ها توسط ارتش عراق در زمان حمله به ایران کاشته شده و متأسفانه علی‌رغم درخواست مکرر حکومت ایران برای دریافت نقشه‌های مین، تاکنون این نقشه‌ها به طرف ایرانی تحویل داده نشده است. بخشی دیگر از مین‌ها اما در زمان جنگ به وسیله نیروهای سپاه پاسداران کار گذاشته شد. در این زمینه هم باید گفت به دلیل بی تجربگی، اساساً نقشه‌ای در کار نبود. از طرف دیگر، حتی در مناطقی که نقشه مین‌گذاری‌ها موجود بود، به دلیل گذشت سالیان و بارش برف و باران و عوامل طبیعی دیگر، بخشی از این مین‌ها جابه‌جا شد. در نتیجه نقشه‌های قبلی دیگر کارایی نداشت.

به عبارت دیگر نداشتن نقشه از مناطق مین گذاری شده، نداشتن ابزار فنی پیشرفته و در کنار آنها عدم وجود اراده سیاسی برای پاکسازی باعث شد، همچنان مناطق وسیعی از کشور آلوده به مین باقی بماند.

به خاطر دارم در جریان یکی از بازدیدهای میدانی همکارانم از مناطق آلوده به مین، به روستایی رسیده بودند که در آن روستا هیچ خانواده‌ای نبود که دست کم یک عضو معلول یا جان باخته بر اثر انفجار مین نداشته باشد. این روستا مشت نمونه خرواری از وضعیت ساکنان مناطق مرزی است. دولت هم تنها کمکی که می‌کند این است که در قانونی که تصویب کرده‌اند، پس از بررسی پرونده قربانیان توسط هیئت دولتی، اگر فرد قربانی ضد انقلاب نباشد، آن وقت یک مستمري به فرد یا خانواده قربانی تعلق می‌گیرد که به شدت هم ناکافی است. از طرف دیگر اکثریت افرادی هم که عضواً این کمیسیون هستند از نهادهای وابسته به حکومت انتخاب می‌شوند و شورای محلی در این کمیسیون در اقلیت قرار دارد. در نتیجه تعداد کثیری از افرادی که کشته یا معلول شده‌اند هم طبق تصمیمات این کمیسیون، از دریافت کمک‌های دولتی محروم می‌شوند.

وجود مین اما به غیر از تلفات جانی، مخاطرات دیگری هم دارد. به عنوان مثال مناطق آلوده به مین، لم یزرع می‌شوند و کشاورزی در آن ممکن نیست. بسیاری از زمین‌هایی که روزی کشاورزان در آنها کشت می‌کردند، در حال حاضر دیگر قابل استفاده نیست.

حقوق ما: کانون مشارکت در پاکسازی مین به عنوان اولین انجمن مردم‌نهاد در زمینه کمک به قربانیان مین در ایران شناخته می‌شود. این کانون با چه هدفی تأسیس شد؟

عبادی: من در سال ۲۰۰۴ با کمک عده‌ای از هم‌فکران و دوستانم، اولین نهاد مردمی به نام کانون مشارکت برای پاکسازی مین را در ایران تأسیس کردیم. هدف ما در درجه اول اطلاع‌رسانی بود چرا که هم اطلاع‌رسانی درباره مین در مقاطعی ممنوع بود و علاوه بر آن جنجال‌های سیاسی‌ای در جریان بود که به رسانه‌ها اجازه توجه به این خطر عمده را نمی‌داد. نتیجه این بی‌توجهی این بود که فقط افرادی که در مناطق آلوده به مین زندگی می‌کردند از خطرات مین اطلاع داشتند و بقیه مردم کشور به ویژه ساکنان پایتخت، به هیچ‌وجه اطلاعی از

این خطر بزرگ نداشتند. بنابراین ما فکر کردیم اولین مسأله مهم، حساس کردن افکار عمومی نسبت به این قاتل خاموش است. در همین رابطه چند نمایشگاه عکس از معلولان مین و آمارهایی که از این قربانیان به‌دستمان می‌رسید، برپا کردیم. همچنین برای اطلاع‌رسانی درباره خطر مین، سمینارهای متعددی برگزار کردیم و خوشحالم که این تلاش‌ها به مقدار بسیار زیادی هم موفق بود و مین را به رسانه‌های پرتیراژ پایتخت کشاندیم.

کار دیگر ما، اطلاع‌رسانی در زمینه مخاطرات مین بود. متأسفانه دولت در این زمینه کم‌کاری بسیاری داشت. ما یک گروه کوچکی بودیم که از جایی هم کمک نمی‌گرفتیم. بنابراین در محدوده توان خودمان دفترچه‌های ارزان قیمتی تهیه کردیم که پشت جلد آن از طریق عکس، شیوه رفتار با مین را آموزش می‌داد. این طرح را هم از دفترچه‌هایی که در افغانستان توزیع می‌کردند، اقتباس کردیم. این دفترچه‌ها را به صورت رایگان در روستاهای آغشته به مین در چند نوبت توزیع کردیم. همچنین همکاران ما به معلمان این روستاها آموزش می‌دادند که چطور در کلاس درس به شاگردان بگویند که از این مخاطرات دوری کنند.

ضمناً در محدوده بسیار اندکی که در توان کانون مشارکت در پاکسازی مین بود، توانستیم به تعدادی ولو اندک از معلولان مین کمک‌رسانی کنیم. این کانون فعالیت‌های خود را به خوبی و خوشنامی ادامه می‌داد که متأسفانه با هجوم مأموران امنیتی به دفتر و کالت من و دفتر کانون مدافعان حقوق بشر در سال ۲۰۰۸، کانون مشارکت در پاکسازی مین را هم بستند و کلیه اسناد و مدارک مربوط به فعالیت‌های ما توسط مأموران امنیتی ضبط شد. از آن تاریخ فعالیت‌های من و سایر دوستان به صورت فردی و غیررسمی ادامه دارد. البته یک کمپین بین‌المللی برای ممنوعیت استفاده از مین در جهان وجود دارد که یکی از همکاران نوبلیست من یعنی خانم جودی ویلیامز از بنیانگذاران این کمپین است. این کمپین هر چند سال یک‌بار برای جلسات بین‌المللی خود از نمایندگان تمام کشورها دعوت می‌کنند. من هر سال گزارش مربوط به مین را به این کمپین ارائه می‌کنم. هدف ما این است که در محدوده توانمان اجازه ندهیم تا دنیا فراموش کند مردم ایران چگونه بر اثر برخورد با مین مصدوم یا کشته می‌شوند.

مین‌ها؛ قاتلان خاموشی که در دل زمین کمین کرده‌اند



علی‌اصغر فریدی

بیش از سه دهه از پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق گذشته است. اما برای برخی از مناطق ایران از جمله استان‌های غربی کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و ایلام، گویا جنگ هنوز ادامه دارد و هر از چندگاهی یک شهروند غیرنظامی قربانی مین‌هایی می‌شود که در زمان جنگ کاشته شده است. پس از پایان جنگ، مین‌زدایی در ایران که زیر نظر وزارت دفاع انجام می‌گیرد، با نگاه امنیتی همراه بوده و دولت‌ها عملاً رغبتی برای این قاتلین خاموش مردم استان‌های غربی کشور نشان ندادند و تا به امروز، مردمان مناطق مرزی قربانی مین می‌شوند.

این قاتلان خاموش هر از چندگاهی زیر پای یک کشاورز، یک رهگذر، یک کولبرو حتی یک نظامی منفجر می‌شوند و موجب مرگ یا صدمه شدید به جسم و روح و روان افراد می‌شوند. در بسیاری از موارد دولت از پرداخت دیه و مستمري به قربانیان مین برای تامین زندگی شرافتمندانه قربانی و افراد تحت تکفل او، خودداری می‌کند. بسیاری از قربانیان مین، امید، آینده و زندگی‌شان در سراسیمی و تاریکی مطلق قرار گرفته است. آنها به آدم‌های خانه‌نشینی که از جامعه طرد شده‌اند و دیگر نه پای برای رفتن دارند نه چشمی برای دیدن، دارند تبدیل شده‌اند و قانون منسجمی هم برای حمایت از آنها وجود ندارد. برای بحث در مورد مین، مناطق آلوده به مین و سرنوشت

قربانیان این قاتلین خاموش پنهان زیر پای مردمان غرب ایران، مجله حقوق ما با لیلا علی‌کرمی حقوق دان و وکیل دادگستری گفتگویی انجام داده که مشروح آن در زیر آمده است.

مناطق آلوده به مین در ایران بیشتر در چه مناطق و استان‌هایی واقع شده؟ آیا این مین‌ها مربوط به زمان جنگ هشت ساله ایران و عراق است و پس از جنگ هم یا مین‌های جدید هم کاشته شده؟

طبق آمارها، ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار از زمین‌های ایران آلوده به مین است. استان ایلام با یک میلیون و هفتصد هزار هکتار زمین‌های آلوده به مین بیشترین مساحت را به خود اختصاص داده و بعد از آن به ترتیب استان خوزستان با یک میلیون و پانصد هزار هکتار، استان کرمانشاه با ۷۰۰ هزار هکتار، استان کردستان با ۱۵۰ هزار هکتار و استان آذربایجان غربی با نیز با ۱۵۰ هزار هکتار، استان‌های آلوده به مین کشور هستند. بر طبق گفته کارشناسان بیش از ۹۹ درصد این مین‌ها در زمان جنگ کار گذاشته شده‌اند. در مورد کاشت مین‌های جدید این نکته را باید در نظر داشت که قبلاً دولت ایران اعلام کرده بود که بخاطر گستردگی مرزها و جلوگیری از تردد قاچاقچیان مواد مخدر چاره‌ای ندارد جز اینکه از مین به عنوان ابزار دفاعی استفاده کند. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که طبق گفته دولت بعد از جنگ نیز برای حفاظت از مرزها از مین استفاده شده است. اما بر اساس گفته کارشناسان نظامی

اکثر تولید کنندگان سابق مین‌های زمینی و بسیاری از کشورهای بلژیک، کامبوج، ایتالیا، موزامبیک و آفریقای جنوبی، نیز به این روند پیوستند. مذاکرات معاهده منع مین خارج از سیستم سازمان ملل متحد صورت گرفت و نظر خواهی مبتنی بر سیستم رای‌گیری بود نه اجماع و روند تصویب معاهده منع مین بسیار سریع بود.

در واقع مذاکره مفاد معاهده طی یک سال صورت گرفت، که این امر برای یک توافق بین‌المللی از این نوع و مشابه بی‌سابقه است. همچنین تنها ۹ ماه طول کشید که ۴۰ کشور معاهده را تصویب کرده و از این رو به اجرا در آمدن آن را تسهیل کنند. تا کنون بیشتر کشورهای جهان به این کنوانسیون پیوسته و در صدد اجرای تعهدات خود هستند. امید که ایران نیز در آینده نزدیک به کنوانسیون بپیوندد.

چه نهاد، سازمان یا ارگان دولتی مسئول کمک مالی و روحی و روانی به قربانیان مین است؟

قانونی در سال ۱۳۷۲ برای رسیدگی به پرونده‌های افرادی که در اثر انفجار مین یا سایر ادوات منفجر نشده باقی‌مانده از دوران جنگ جان خود را از دست داده یا زخمی می‌شوند، تصویب شد.

طبق این قانون، که چندین بار نیز اصلاح شده است، کمیسیون موسوم به کمیسیون ماده ۲ فرمانداری‌ها مسئول رسیدگی به وضعیت قربانیان و جبران خسارت جانی و جسمی برای آنهاست.

رسیدگی به این صورت است که بعد از وقوع حادثه نیروهای مربوطه مدارک مرتبط با زمان سانحه را جمع‌آوری کرده و به بنیاد شهید و امور ایثارگران تحویل می‌دهند. بنیاد شهید اگر مدارک را کامل بداند، آنها را به فرمانداری‌ها ارسال می‌کند تا در کمیسیون ماده ۲ مورد بررسی قرار گیرند.

در واقع از این زمان به بعد است که مشکلات قربانیان یا خانواده افرادی که کشته شده‌اند، آغاز می‌شود. این کمیسیون‌ها با حضور نمایندگان نهادهای دولتی از جمله بنیاد شهید که خود طرف دعوی است، غالباً در تشخیص افراد به‌عنوان شهید یا جانباز تعلل می‌کنند. با وجود اینکه مطابق قانون، کمیسیون‌های ماده ۲ باید در یک بازه زمانی معین تصمیم‌گیری کنند اما کمیسیون‌ها به بهانه عدم تکمیل مدارک، مدت مدیدی پرونده‌ها را معطل می‌گذارند. قربانیان که اکثراً از خانواده‌های آسیب‌پذیر جامعه نیز هستند،



این است که کنوانسیون منع مین خارج از سیستم سازمان ملل تصویب شده است.

در رد این توجیه نیز باید در نظر داشت که این نقطه قوت کنوانسیون است نه ضعف آن. فرآیند موسوم به «اتاوا» که در نهایت منجر به امضای پیمان منع مین شد، به عنوان یک روند غیر متعارف، تاریخی و منحصر به فرد توصیف شده است. در واقع کنوانسیون «منع مین» محصول همکاری غیرمعمول و استراتژیک دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC)، موسسات وابسته به سازمان ملل و کمپین بین‌المللی مبارزه با مین‌های زمینی (ICBL) به نمایندگی از جامعه مدنی است.

برای اولین بار، کشورهای با قدرت‌های سیاسی متفاوت از کانادا و نروژ گرفته تا استرالیا و زیمبابوه با هم متحد شدند و تصمیم گرفتند تا استفاده از مین‌های ضد نفر را ممنوع کنند. آنها منتظر قدرت‌های سنتی مانند چین، روسیه و ایالات متحده آمریکا، که متعهد به ممنوعیت مین‌های زمینی نبودند، نشدند.

مین‌های جدید به طور محدود و در مناطق خاصی از مرزها کاشته شده‌اند.

اگر مین‌های جدید بعد از جنگ هشت ساله ایران و عراق کاشته شده، توسط کدام ارگان و نهادی کاشته شده و در کدام مناطق و به چه منظوری این کار انجام گرفته است؟ در این خصوص به طور قطع نمی‌توان اظهار نظر کرد که کدام یگان یا ارگان اقدام به کاشت مین کرده است. هر یگانی که در مرز مستقر بوده و دستور مین‌گذاری دریافت کرده باشد، اقدام به این کار کرده است. باید در نظر داشت که کنترل مرزی فقط در اختیار یک ارگان مانند سپاه یا ارتش نیست.

کنترل مرزی در دست نیروهای مختلف است. به طور مثال ممکن است در یک سال اختیار کنترل مرزی از منطقه فاو تا شلمچه دست سپاه باشد و از شلمچه تا هویزه دست ارتش و چند سال بعد این پست جابجا شده یا اصلاً تحویل نیروی انتظامی شود. مساله جابجایی پست در تمام طول مرزی وجود دارد. به طور مثال ممکن است در حال حاضر سپاه بیت المقدس در استان کردستان مستقر باشد و خط مرزی در اختیار این ارگان باشد و یک سال بعد دستوری دریافت کنند که منطقه را تحویل ارتش دهند. در چنین شرایطی اگر می‌آید مین از قبل توسط آن واحد کار گذاشته شده باشد نقشه‌هایش را تحویل واحد بعدی می‌دهد.

بیشترین قربانیان مین در ایران چه اشخاصی هستند و به کدام مناطق تعلق دارند؟

بر طبق آمارهای موجود، استان کرمانشاه بیشترین تلفات را داشته که اکثراً شهروندان عادی بوده‌اند.

دولت چه خدماتی برای قربانیان مین، از کولبران گرفته تا کودکان، کشاورزان و افراد محلی، مهیا کرده و یا می‌کند؟

بر اساس پرونده‌های موجود به عده‌ای از قربانیان مین که به پرونده آنها رسیدگی شده، مستمری و مزایا تعلق گرفته و برخی نیز تحت پوشش کمیته امداد یا بهزیستی قرار گرفته‌اند. اما بر طبق آمارهای موجود هنوز به پرونده قربانیان بسیاری رسیدگی نشده و حتی بعد از گذشت سال‌های متمادی آنها هیچ‌گونه کمکی دریافت نکرده‌اند.

چرا ایران با وجود اینکه درگیری هیچ جنگ مستقیمی با همسایگانش نیست و بیش از سه دهه از جنگ با عراق هم

گذشته، جمهوری اسلامی از ملحق شدن به کنوانسیون اتاوا، پیمان منع به‌کارگیری مین ضدنفر و پذیرفتن معاهده‌های بین‌المللی پاکسازی مناطق آلوده به مین خودداری می‌کند؟ به طور کلی ایران و کشورهای دیگری که عضو کنوانسیون نشده‌اند، دلایل مختلفی را برای نپیوستن به معاهده منع مین اعلام می‌کنند. یکی از این دلایل مساله دفاع و حمایت از مرزها است. کشورهایی که کنوانسیون را امضا نکرده‌اند از جمله ایران ادعا می‌کنند که مین یک وسیله دفاعی است و با پیوستن به کنوانسیون در واقع آنها خود را از استفاده از یک سلاح دفاعی محروم می‌کنند.

البته در جواب این استدلال باید گفت که نگاهی به آمار قربانیان مین‌های زمینی نشان دهنده آن است که اکثر انفجارها در دل روستاها صورت گرفته نه در نقاط مرزی و نکته دیگر آنکه راه‌های موثرتری برای کنترل مرزها وجود دارد. استدلال دیگر این است که چرا کشورهای بزرگ مانند روسیه، چین و ایالات متحده که خود بیشترین تولیدات را دارند، به کنوانسیون نپیوسته‌اند و دلیل دیگری که ایران عنوان می‌کند

سال‌ها به دنبال تکمیل مدارک و احقاق حق از این نهاد به سازمانی دیگر پاس‌کاری می‌شوند. از آنجایی که تصمیمی هم درخصوص پرونده آنها اتخاذ نشده، مرجعی هم برای اعتراض نیست.

در بسیاری از موارد شاهد بوده‌ایم که پس از تشکیل پرونده، در نهایت کمیسیون‌ها در نبود نماینده قانونی قربانیان، تصمیم می‌گیرند که این افراد تحت حمایت کمیته امداد یا بهزیستی قرار گیرند. در این صورت فرد به جای دریافت حقوق قانونی خود از بنیاد شهید، مستمری بسیار ناچیزی از این دو نهاد دریافت می‌کند.

چالش دیگر بر سر احقاق حق قربانیان مین آن است که حتی اگر کمیسیون هم رأیی صادر کند، مبنی بر اینکه فرد تحت پوشش بنیاد شهید قرار بگیرد، بنیاد به شیوه‌های مختلف در اجرای تصمیم کمیسیون تعلل می‌کند و راهی هم برای اجبار بنیاد به اجرای تصمیم کمیسیون وجود ندارد. مسئله دیگر آنکه رأی کمیسیون قابل تجدیدنظر نیست و تنها راه قانونی به چالش کشیدن تصمیم کمیسیون از دیوان عدالت اداری می‌گذرد.

دولت موظف به ارائه چه خدماتی به قربانیان مین است که هم از لحاظ جسمی و روحی دچار مشکل شده‌اند و هم از نظر معیشتی هم دیگر قادر به تامین زندگی خود و خانواده نیستند؟

خدمات پزشکی اورژانس و ادامه مراقبت‌های بهداشتی، توانبخشی فیزیکی، حمایت روانی و اجتماعی، تضمین فعالیت‌های اقتصادی، جمع‌آوری داده‌ها، قانونگذاری و سیاست‌گذاری، شش رکن اساسی کمک به مصدومان مین است.

کنونسیون حمایت از افراد دارای معلولیت استانداردهای قوانین و مقررات حمایتی از افراد دارای معلولیت را مشخص می‌کند. مشارکت کامل و موثر و ورود به جامعه، برابری فرصت‌ها، دسترسی، احترام به ظرفیت‌های قابل تحول کودکان دارای معلولیت به عنوان بخشی از تنوع انسانی و بشریت از جمله اصولی است که در این سند بین‌المللی به آن اشاره شده است.

در ایران از یک طرف شکاف‌های قابل توجهی در دسترسی به اشتغال، آموزش و سایر فعالیت‌های حمایتی و ایجاد درآمد برای قربانیان وجود دارد و از طرف دیگر بررسی پرونده قربانیان مین خیلی به درازا می‌کشد؛ پرونده‌هایی داریم که سال‌هاست هنوز به نتیجه نرسیده‌اند. قربانیان مین عموماً از قشرهای کم

در کردستان در هر خانه به یک

میدان مین باز می‌شود

علی اصغر فریدی

مین یک سلاح ارزان قیمت است، دولت‌ها می‌توانند با پنج دلار یک مین بخرند و از آن به عنوان یک سرباز که حالت بازدارنده دارد، استفاده کنند. این سرباز پنج دلاری، نیازی به لجستیک و عقبه ندارد، اما برای پاکسازی همان مین پنج دلاری به هزینه‌ای معادل سیصد تا پانصد دلار نیاز است.

با این حال، جمهوری اسلامی مسئله پاکسازی را در نظر ندارد و فقط می‌خواهد از مین به عنوان یک سلاح بازدارنده ارزان استفاده کند. این‌ها بخشی از گفته‌های عیسی بازیار متخصص پاکسازی میادین مین است در گفت‌وگو با مجله حقوق ما.

عیسی بازیار که چندین بار در حین خنثی‌سازی مین و گلوله‌های عمل نکرده، به دلیل انفجار، دچار آسیب شده، به مدت ۳۱ سال به عنوان کارشناس وزارت دفاع مشغول خنثی کردن مین‌های کاشته شده و گلوله‌های عمل نکرده بوده است، وی که چندین کتاب و جزوه در رابطه با مین نوشته است، عیسی بازیار یکی از کتاب‌هایش با عنوان «زندگی امن در کنار میدان مین» را به صورت رایگان در مناطق و شهرهای پرخطر مرزی توزیع کرد. او تجربیاتش را در قالب کتاب‌ها و جزوه‌های آموزشی منتشر و در اختیار ساکنان مناطق آلوده به مین و پرخطر می‌گذارد.

مسئولیت مین‌زدایی از میادین مین در ایران بر عهده چه نهاد، سازمان و یا وزارتخانه‌ای است؟ این نهاد، تا چه اندازه در سه دهه‌ای که از پایان جنگ گذشته، در زمینه مین‌زدایی موفق عمل کرده است؟

نهاد ملی مین در ایران، اسمش مرکز مین‌زدایی است و زیر نظر وزارت دفاع است. یعنی رئیس مرکز مین‌زدایی، معاون وزیر دفاع در امور پاکسازی مین به حساب می‌آید و یک نهاد کاملاً نظامی است. این برخلاف اکثر نقاط دنیاست که در اکثر کشورها نهاد ملی مین یک نهاد غیردولتی است و سازمان‌های مردم‌نهاد زیادی با نهادهای ملی مین در کشورهای آلوده همکاری دارند. اما در ایران متأسفانه، مسئله نظامی و امنیتی بودن قضیه باعث شده که نهادهای غیردولتی نتوانند فعالیت کنند و مسئله مین و عدم پاکسازی مناطق آلوده به یک معضل طولانی تبدیل شده است.

آیا مین‌هایی که هزار چندگاهی شهروندان و به ویژه مرزنشینان غرب کشور را قربانی می‌کند، همان مین‌هایی است که در طول جنگ ایران و عراق کاشته شده یا پس از جنگ هم نیروهای نظامی یا انتظامی ایران مین‌های جدید کاشته‌اند؟ می‌توان گفت، ۰۸ درصد مین‌های کاشته شده در ایران، همان مین‌های باقی مانده از جنگ هشت ساله ایران و عراق هستند. آن ۰۲ درصد دیگر که بعد از جنگ ایران و عراق کاشته شده‌اند



اکثرا در استان‌های کردستان و آذربایجان غربی هستند و به مقدار کمتری نسبت به این دو استان، میدان‌های مین جدید در استان‌های ایلام، کرمانشاه و خوزستان به وجود آمده است، بنابراین می‌توانم بگویم که بیشترین میدان مین‌های جدید در استان‌های کردستان و آذربایجان غربی ایجاد شده است.

البته باید اضافه کنم که این آمار ۰۸ و ۰۲ درصدی که خدمتتان عرض کردم رسمی نیست و تجربه شخصی خودم است، در واقع آمار مشخص و مستندی وجود ندارد که بتوانیم به آن استناد بکنیم، این ارقام و درصدها، حاصل رصد و پیگیری‌های مداوم من و همکارانم است.

در بعضی از نقاط کردستان که احتمال تردد گروه‌ها و احزاب نظامی یا غیرنظامی مخالف نظام وجود دارد، متأسفانه آنجاها را جدیداً مین‌گذاری کرده‌اند. در مناطق شرقی کشور مثل کویر لوت، طیس و بلوچستان هم مین‌های جدید کاشته شده و چند نفری هم روی مین رفته‌اند. در سال‌های گذشته هم در شرق کشور دو کویرنورد و چند نفر از هنگ مرزی روی مین رفته بودند. سال گذشته هم در منطقه سراوان دو سوختبر روی مین رفتند و جانشان را از دست دادند.

مناطق شرقی و کویر ایران در طول جنگ ایران و عراق مناطق دور از میدان جنگ بودند و نیازی به مین‌گذاری نبود و مین‌های کاشته شده در شرق کشور مین‌های جدید هستند.

آقای بازیار، در غرب کشور با توجیه جلوگیری از گروه‌ها و احزاب مسلح کرد اقدام به کاشتن مین جدید می‌کنند یا در بلوچستان با توجیه جلوگیری از کاروان‌های مواد مخدر؛ اما جمهوری اسلامی چرا در کویر مین می‌کارد؟

بله بحث همان کاروان‌های مواد مخدر هستند، کویرها محل عبور و مرور امنی برای کاروان‌های مواد مخدر است که در نهایت مقصدشان اروپا است. به دلیل اینکه کویرهای ایران گسترده هستند و حکومت توان حفاظت فیزیکی از آن را ندارد، این کار را با کاشتن مین انجام می‌دهد. خود حکومت در پاسخ به نامه LBCI یعنی سازمان منع به‌کارگیری مین‌های زمینی به این موضوع اذعان کرده بود.

سازمان منع به‌کارگیری مین‌های زمینی، در نامه‌ای به وزارت کشور ایران، از این کشور در مورد مین‌های کاشته شده در شرق ایران توضیح خواسته بود. جمهوری اسلامی در جواب به کاشتن مین‌های جدید اذعان و گفته بود که آنها مین را به عنوان یک سازوکار دفاعی می‌شناسند و به علت پراکندگی

مرزها از آن استفاده می‌کنند.

در مورد اینکه چرا در کویر مین می‌کارند، باید بگویم که کویرهای ایران بسیار گسترده هستند و از شرق تا مرکز ایران امتداد دارند. کاروان‌های مواد مخدر می‌توانند محموله‌هایشان را از آنجا عبور بدهند. به همین دلیل جمهوری اسلامی برای جلوگیری از تردد این کاروان‌ها اقدام به کاشتن مین می‌کند، اما مشکل این است که ایران اقدام به کاشت مین می‌کند بدون اینکه هیچ ضابطه‌ای را رعایت و مناطق مین‌گذاری را علامت‌گذاری کند و در مورد مناطق آلوده و مین‌گذاری شده به کویرنورها اطلاعی بدهد.

چرا با وجود اینکه ایران درگیر هیچ جنگ مستقیمی با همسایگانش نیست و بیش از سه دهه از جنگ با عراق هم گذشته، حکومت از ملحق شدن به کنوانسیون اتاوا، پیمان منع به‌کارگیری مین ضدنفر و پذیرفتن معاهده‌های بین‌المللی پاکسازی مناطق آلوده به مین خودداری می‌کند؟

خوب مین یک سلاح ارزان قیمت است، دولت‌ها می‌توانند با پنج دلار یک مین بخرند، و به عنوان یک سرباز که حالت بازدارنده دارد عمل می‌کند و نیازی هم به لجستیک و عقبه ندارد، اما برای پاکسازی همان مین پنج دلاری نیاز به هزینه‌ای معادل سیصد تا پانصد دلار نیاز است. اما جمهوری اسلامی

مسئله پاکسازی را در نظر ندارد و فقط می‌خواهد از مین به عنوان یک سلاح بازدارنده ارزان استفاده کند. شما در نظر بگیرید در همان کویرهای ایران اگر مثلاً یک هنگ مرزی بخواهد آنجا مستقر شود، برای جلوگیری از آمد و شد کاروان‌هایی که به هر دلیلی از آنجا تردد می‌کنند، این هنگ به ده‌ها انسان متخصص، ده‌ها سرباز و ده‌ها نفر افسر نیاز دارد که اینها همه نیاز به لجستیک، آماد و نگهداری نیاز دارد. این‌ها مستلزم هزینه است، بنابراین جمهوری اسلامی متأسفانه ترجیح می‌دهد با هزینه کمتری مین بکارد.

در حال حاضر بیشترین مناطق آلوده به مین در ایران کدام مناطق و استان‌هایی هستند؟

پنج استان کشور با چهار میلیون هکتار به ترتیب بیشترین آلودگی به مین عبارتند از استان خوزستان، استان ایلام، کرمانشاه، کردستان و استان آذربایجان غربی دارای بیشترین آلودگی به مین هستند و در مناطق شرقی کشور آلودگی به مین به صورت پراکنده است و از لحاظ وسعت و تعداد مین‌های کاشته شده، در مقابل مناطق غرب و جنوب غربی ایران اصلاً به حساب نمی‌آید.

یعنی استان خوزستان بیشترین مین کاشته شده را دارد؟

بله خوزستان با یک میلیون و هفتصد هزار هکتار بیشترین آلودگی را دارد. اما خوب میداین مین خوزستان و نقاط آلوده به مین در آنجا از محل اسکان انسانی مثل شهرها و روستاها دور هستند و در این میداین اکثراً در نوار مرزی واقع شده و میداین مین منظم هم هستند، یعنی میداینی هستند که در دوره جنگ با عراق کار گذاشته شده و می‌توان گفت که هم برای پاکسازی آسانتر هستند و هم اینکه مشخص هستند، حتی برای مردم بومی هم مشخص است.

اما معضل اصلی مین‌های پراکنده در کردستان است، می‌توان گفت که در کردستان، در هر خانه‌ای، نهایتاً به یک میدان مین باز می‌شود. این گفته من بی‌ربط نیست، به عنوان مثال شما در اطراف سقز در اطراف شهر مریوان که کیلومترها دور است یا اطراف سقز یا مهاباد یا جاهای دیگر، یک زمانی پایگاه‌های سپاه پاسداران در بیشتر روستاهای کردستان برای مقابله با احزاب مسلح کرد ایجاد شده که بعد از ترک مخاصمه و عقب‌نشینی احزاب کرد، این پایگاه‌ها کاربری‌شان را از دست دادند. پایگاه‌ها جمع شدند اما مین‌ها ماندند.

پایگاه‌ها هم معمولاً رای تپه‌ها بنا می‌شدند که مین‌های کاشته شده در اطراف آن بر اثر باد و باران به مرور جابجا می‌شوند و غلت می‌خورند و به سمت روستا، زمین‌های کشاورزی و حتی حیاط مدرسه مانند آنچه که قبلاً در مریوان روی داده، سرازیر

می‌شوند و فاجعه به بار می‌آید.

چه ارگان‌هایی وظیفه آگاهی بخشی در زمینه خطرات مین به افراد ساکن در مناطق آلوده را دارند؟ و تا چه اندازه موفق بوده‌اند؟

طبق استانداردهای پاکسازی، هوشیاری از مین یا آموزش و آگاهی‌رسانی و آموزش خطرات مین یکی از بندهای مهم پاکسازی است، یعنی این کار در حیطه مرکز مین زدایی است، اما این کار را انجام نمی‌دهند.

یک بخش خیلی کمی را هلال‌احمر به دوش گرفته که آن هم بسیار ناقص است و چند سالی است که حتی همان بخش ناقص را هم دیگر اجرا نمی‌کنند و متأسفانه بار این موضوع بر دوش افرادی مثل من افتاده که به همراه برخی از دوستان در داخل و خارج بدون هیچ چشم‌داشت و هیچ منفعت مالی، صرفاً به خاطر همان علاقه‌ای که به این مسئله داریم انجام می‌دهیم.

اما ما نه تعدادمان کافی است و نه بودجه لازم را داریم. حتی کارهایی را هم که انجام می‌دهیم به صورت کاملاً مخفیانه است و برای دوستانمان در داخل حتی خطر دستگیری هم وجود دارد.

از نظر جمهوری اسلامی مقوله مین یک مقوله امنیتی است و کمتر کسی از کار در حیطه آگاهی‌رسانی در رابطه با مین استقبال می‌کند. در جایی که حتی فعال محیط زیست بودن هم دارای خطراتی است و فعالین این حیطه با دستگیری و زندان روبرو می‌شوند، قطعاً فعالیت در حیطه مین بسیار خطرناکتر است چون مسئله مین یک مسئله امنیتی است و زیر نظر نهادهای نظامی است، بنابراین کسی رغبت نمی‌کند که در این حیطه فعالیت کند. ما چند نفری هستیم که سال‌ها است داریم این کار را انجام می‌دهیم که نه بضاعت مالی کافی داریم و نه تعداد افراد کافی داریم که بتوانیم پنج استان را با این حجم زیاد آلودگی چهار میلیون هکتاری را پوشش بدهیم. بنابراین می‌دانیم کاری را که داریم انجام می‌دهیم ناقص و کم است، اما متأسفانه بیشتر از این کاری از دست ما بر نمی‌آید.

خود شما به عنوان یک کارشناس، که هم در خنثی‌سازی مین و هم به عنوان کسی که بیشترین تلاش را برای کمک به مصدومان و قربانیان مین داشته‌ای و با انتشار چندین جلد

میراث خون‌بار جنگ و پرونده‌های معطل مانده قربانیان مین



جواد عباسی تولی

بهمن‌ماه ۱۳۹۹، دست‌کم هفت نفر بر اثر برخورد با مین یا مهمات باقی مانده از جنگ جان خود را از دست داده و پنج نفر هم مصدوم یا معلول شده‌اند. در خوزستان هم انفجار مین، سه کشته و دوزخمی برجای گذاشته است که سه نفر از این قربانیان، زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند.

بهنام صادقی، مربی مین‌زدایی و فعال حوزه پاک‌سازی مین که بیش از ۳۰ سال است در این عرصه فعالیت دارد، در گفت‌وگو با مجله «حقوق ما» با اشاره به اینکه تاکنون آماری از سوی نهاد ملی مین در ایران و ارگان‌های تابعه آن در خصوص قربانیان مین منتشر نشده، می‌گوید: «نهاد ملی مین در ایران و ارگان‌های وابسته که باید آمار و اطلاعات مربوط به قربانیان مین را بدهند بنا به دلایلی که من از آنها بی‌اطلاعم این آمار را ارائه نمی‌دهند. با این حال برای اینکه یک جمع‌بندی وجود داشته باشد، از طریق فعالان عرصه مین‌زدایی در نقاط مختلف کشور حوادث مربوط به مین را رصد کرده و ثبت می‌کنیم.»

او درباره چگونگی گردآوری آمار قربانیان مین توسط فعالان مین‌زدایی می‌گوید: «تلاش فعالان مین‌زدایی برای این است حتی از اخبار منتشر شده در رسانه‌ها و روزنامه‌های داخلی

طبق آخرین آمار غیررسمی که با تلاش جمعی از فعالان عرصه مین‌زدایی در ایران به دست آمده تنها در سال ۱۳۹۹ ده‌ها نفر در پنج استان مرزی در غرب و جنوب غرب کشور، قربانی مهمات و مین‌های به‌جا مانده از جنگ هشت ساله ایران و عراق شده‌اند.

براساس این آمارها، در استان آذربایجان غربی در طول یک سال گذشته دست‌کم ۱۱ شهروند قربانی برخورد با مین شده‌اند که در این بین سه نفر کشته و بقیه افراد با قطع عضو یا مصدومیت شدید مواجه شده‌اند. در همین بازه زمانی، در استان کردستان بر اثر انفجار مهمات عمل نکرده و مین‌های جنگی، دو نفر کشته و پنج نفر دیگر دچار قطع عضو شده‌اند.

در استان کرمانشاه هم در سال ۱۳۹۹ مجموعاً نام و مشخصات ۱۰ قربانی به ثبت رسیده که همگی به دلیل برخورد با مین، دچار مصدومیت‌های شدید بدنی شده‌اند.

در استان ایلام اما تعداد کشته‌ها از استان‌های دیگر بیشتر است. به نحوی که در جداول آماری ارائه شده توسط فعالان مین‌زدایی آمده، در فاصله بین اردیبهشت تا



استفاده کنند. ۹۰ درصد از اخبار آشکار و حدود ۱۰ درصد از منابع محلی در مناطق مختلف به دست می‌آید.»

به‌گفته این فعال عرصه مین‌زدایی، بر اساس تخمین فعالان مین‌روبی، به دلیل عدم دسترسی به مناطق دور افتاده مرزی، احتمالاً سالانه حدود ۱۰ نفر در فهرست غیر رسمی قربانیان لحاظ نمی‌شوند.

عدم دسترسی دولت ایران به تجهیزات پیشرفته جهت پاکسازی مناطق آلوده به مین، یکی از دلایل کُندی در روند خنثی‌سازی و امحاء مین‌هایی است که سالانه جان ده‌ها شهروند ایرانی را می‌گیرد.

برپایه اعلام منابع رسمی، ۴۲ هزار کیلومتر مربع از خاک کشور آلوده به مین است و ایران در میان ۶۰ کشور آلوده به مین در سراسر جهان، رتبه دوم را داراست.

محمدحسین امیراحمدی، رئیس مرکز مین‌زدایی کشور هم در روزهای اخیر و هم‌زمان با چهارم آوریل، «روز جهانی آگاهی از خطر مین و کمک به اقدام علیه آن»، اعلام کرد دولت ایران هیچ‌گاه نتوانسته از سیستم مدیریت بین المللی اطلاعات عملیات مین استفاده کند.

او گفته: «اکثر کشورهای درگیر با معضل مین یک فضای عملیاتی ایجاد کرده‌اند و از توان کشورها و سازمان‌های بین‌المللی دیگر بهره می‌برند تا کشور خود را پاکسازی کنند. اما کشور ما به دلیل اینکه از سوی همان کشورهای که مدعی حقوق بشر هستند و سازمان‌های بین‌المللی را در خود ایجاد کرده‌اند، از ابتدای انقلاب مورد تحریم بوده است، از دادن هرگونه دانش، تجربه و نیز تجهیزات خودداری کرده‌اند.»

این گفته‌های رئیس مرکز مین‌زدایی در حالی است که ایران تاکنون از پیوستن به کنوانسیون اتاوا به‌عنوان



مهم‌ترین معاهده بین‌المللی در زمینه منع تولید و استفاده از مین‌های زمینی، خودداری کرده است.

پیمان اتاوا با نام کامل پیمان منع استفاده، نگهداری، ساخت و جابه‌جایی مین ضد نفر و نابودی این‌گونه مین‌ها، با نام دیگر پیمان منع مین ضد نفر نیز شناخته می‌شود. این پیمان در ماه دسامبر سال ۱۹۹۷ در شهر اتاوا کانادا به تایید کشورهای مختلف رسید. تاکنون ۱۶۴ کشور جهان به این پیمان پیوسته‌اند.

«امحاء کامل مین‌های ضد نفر» و «پاکسازی و مسئولیت‌پذیری برای عدم استفاده از مین در آینده» از جمله مهم‌ترین مفاد لحاظ شده در کنوانسیون اتاوا است.

برپایه اعلام رئیس مرکز مین‌زدایی، از سال‌های گذشته تاکنون دست‌کم ۹۳ نفر از اعضای تیم‌های مین‌روبی بر اثر برخورد با مین کشته و حدود ۱۱۸ نفر هم قطع عضو شده‌اند. او گفته در ایران به ازای برداشت حدود هر ۱۰۰ هزار مین، یک نفر کشته یا مجروح می‌شود.

امیراحمدی پیش‌تر هم گفته بود در سال‌های اولیه پس از اتمام جنگ، شمار قربانیان مین‌های به‌جا مانده از جنگ سالانه به حدود ۳۰۰ کشته و نزدیک به ۶۰۰ نفر مصدوم و مجروح می‌رسید.

بررسی نحوه عملکرد دستگاه‌های دولتی در قبال قربانیان مین اما نشان می‌دهد این نهادها خدمات به‌موقع و کافی به قربانیان ارائه نمی‌کنند.

به‌نام صادقی درباره روند بررسی پرونده‌ها توسط اعضای «کمیسیون ماده دو» در نهادهای متولی می‌گوید: «کمیسیون ماده دو ابتدا زیر نظر استانداری‌ها بود. در این کمیسیون چند شرط برای قربانی تعیین شده بود از جمله اینکه ضد انقلاب نباشد، اشتهار به فساد اخلاقی هم نداشته باشد و

مصدومیت خود را دستکاری نکرده باشد.»

کمیسیون ماده دو در سال ۱۳۹۰ از استانداری‌ها به فرمانداری شهرستان‌ها منتقل شد. صادقی در این رابطه می‌گوید: «پس از انتقال کمیسیون از استانداری به فرمانداری، پرونده‌های قربانیان مین عطف به ماسبق هم شد بدین صورت که اگر کسی پرونده‌اش رد شده بود می‌توانست مجدداً پرونده خود را به جریان بیاورد که این مسأله از لحاظ قانونی پیشرفت خوبی محسوب می‌شود. وقتی پرونده‌ها از سطح استان به سطح شهرستان رسید، برای قربانیان کمی وضعیت بهتر شد. علاوه بر این مواردی نظیر اشتها به فساد اخلاق، قاچاق و محدودیت‌هایی از این دست برای کمک به قربانیان حذف شد. تنها اگر کسی به‌عنوان "ضد انقلاب مسلح" معرفی شود، از خدمات دولتی ویژه قربانیان مین محروم خواهد شد.»

به‌گفته این فعال عرصه مین‌زدایی، با وجود اصلاح قوانین در زمینه کمک‌رسانی به قربانیان مین و انتقال کمیسیون ماده دو به فرمانداری‌ها، همچنان نقص‌هایی در عملکرد این کمیسیون وجود دارد:

«از آنجایی که بازه زمانی دقیقی برای ارائه پاسخ قطعی در پرونده‌ها مشخص نشده، همین امر دست ارگان‌های متولی را باز گذاشته برخی از آنها تا دو سال هم نتیجه پرونده‌ها را اعلام نکنند.»

او در ادامه می‌گوید: «کمیسیون ماده دو هشت عضو دارد و هر کدام از اعضا یک رأی دارند. روال کار بدین صورت است که در بین این هشت نفر، قربانی، خانواده او یا نماینده آنها حضور ندارد.»

برپایه اعلام فعالان حقوق قربانیان مین، علی‌رغم کلیه تمهیدات، مستمری تعیین شده برای قربانیان مین به‌ویژه غیرنظامیان بسیار ناچیز است و پرداخت کلیه هزینه‌های بیمارستانی و تهیه پروتژها به عهده خود قربانی گذاشته شده است.

بهنام صادقی هم بر این باور است که در حال حاضر طبق تصمیمات اعضای کمیسیون ماده دو در هر شهرستان،

«قربانیان زیر ۱۸ سال مشمول مستمری نمی‌شوند.»

او می‌گوید: «کمیسیون ماده دو در فرمانداری‌ها تشکیل می‌شود اما برای اعلام نتیجه نهایی، پرونده‌ها را به تهران می‌فرستند. در پیگیری‌های انجام شده مشخص شد پرونده‌ها از شهرستان‌ها به بنیاد شهید مرکز فرستاده شده و در آنجا به دلیل حجم زیاد پرونده‌ها معطل می‌ماند. از طرف دیگر قربانیان مین اغلب جزو مرزنیسان بی بضاعت و فقیر هستند که حتی توان مالی رفت و آمد به تهران برای پیگیری پرونده خود را هم ندارند.»

او می‌گوید: «عشایر کوچ‌رو یکی دیگر از گروه‌های قربانی مین بوده که از استان‌های آذربایجان غربی، کرمانشاه، ایلام، همدان و خوزستان مدام در حال کوچ هستند. در صورتی که یکی از این عشایر بر اثر انفجار مین دچار حادثه شود، ممکن است به علت جا به جایی و کوچ، پرونده‌ها در شهری کیلومترها دورتر از محل سکونت او تشکیل شود. به همین دلیل بسیاری از آنها حتی امکان پیگیری و رفت و آمد به شهری که پرونده در آن تشکیل شده را ندارند.»

آمار دقیقی از شمار پرونده‌های معطل مانده از قربانیان مین وجود ندارد اما بهنام صادقی به نقل از یکی از وکلای دادگستری و فعال در حوزه دفاع از حقوق قربانیان مین می‌گوید «حدود ۲۰۰ پرونده» تنها در منطقه سردشت در استان کرمانشاه معطل مانده و پاسخ قطعی دریافت نکرده‌اند.

مرزهای شرقی؛ مین‌های سرگردان در زمان صلح

اواسط فروردین ماه امسال، کریم همتی، رئیس جمعیت هلال احمر از برگزاری کلاس‌های آموزشی برای مرزنیسان منطقه دوغارون در استان خراسان رضوی برای مقابله با مین‌های زمینی کاشته شده در این منطقه خبر داد.

مسئول این نهاد دولتی بدون اشاره به دلایل مین‌گذاری مرزهای شرقی کشور آن‌هم در زمان صلح، گفت: «طرح آموزش به مرزنیسان برای مقابله با خطرات مین علاوه بر خراسان رضوی در سیستان و بلوچستان هم اجرا می‌شود

منابع محلی در روزهای بعد، از بازداشت ۳۰ تا ۵۰ نفر از معترضان توسط نیروهای سپاه پاسداران خبر دادند.

حبیب سربازی اما معتقد است که مین‌گذاری‌های سپاه پاسداران تنها به گذرگاه‌های مرزی سراوان محدود نمی‌شود:

«به‌غیر از مرز سراوان که از نقاط عمده مین‌گذاری است، گزارش‌هایی از قربانیان مین در مرز زاهدان هم در دست است. به صورت تخمینی می‌توان گفت ده‌ها نفر در مرز زاهدان بر اثر انفجار مین کشته شده‌اند.»

علی‌رغم انتشار گزارش‌هایی از کشته یا زخمی شدن شماری از شهروندان مرزنیسان در استان سیستان و بلوچستان در طول سال‌های گذشته، آمار دقیقی از این قربانیان در دست نیست.

سربازی درباره دلایل عدم وجود آمار دقیق از قربانیان مین می‌گوید: «در آن مناطق تقریباً اینترنت وجود ندارد تا اطلاع‌رسانی انجام شود. از طرف دیگر کوچک‌ترین اعتراض نسبت به فعالیت‌های سپاه در آن مناطق به شدت سرکوب می‌شود. به همین دلیل آمارهای دقیقی از قربانیان مین در آن مناطق در دست نیست.»

به‌گفته او، مین‌گذاری‌های سپاه پاسداران فقط در نقطه صفر مرزی نیست و در مواردی برای جلوگیری از تردد شهروندان در داخل خاک ایران هم اقدام به مین‌گذاری کرده است.

بنا بر گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌ها، در حال حاضر پنج استان در شرق و جنوب شرق کشور شامل استان‌های گلستان، خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان آلوده به مین هستند.

همچنین گزارش شده نیروهای سپاه پاسداران بخش‌هایی از کویر لوت تا حوالی شهرستان طبس را مین‌گذاری کرده‌اند، این در حالی است که نه تنها این میادین مین برای گردشگران و عشایر منطقه علامت‌گذاری نشده بلکه نهادهای نظامی از انتشار نقشه مناطق آلوده به مین هم خودداری می‌کنند.

تا کاهش مخاطرات در مقابله با مین را به همراه داشته باشد.»

این گفته‌های رئیس جمعیت هلال احمر در حالی است که حبیب الله سربازی، نویسنده و فعال بلوچ به‌نقل از شاهدان عینی و مرزنیسان ساکن در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان، به «حقوق ما» می‌گوید: «در منطقه سراوان تا عمق ۱۵ کیلومتری داخل خاک ایران و همچنین تا عمق حدوداً سه کیلومتری خاک پاکستان مین‌گذاری شده است.»

او نیروهای نظامی سپاه پاسداران را مسئول مین‌گذاری در مرزهای شرقی می‌داند و می‌گوید: «در مرزهای شرقی ایران در سال‌های گذشته جنگی واقع نشده تا بهانه‌ای برای مین‌گذاری باشد. هدف از مین‌گذاری در مناطق مرزی بلوچ‌نشین، بستن مرزها بوده است. مشکل اصلی این است که نقشه مناطق مین‌گذاری شده هم اساساً به دست مردم نرسیده است.»

به‌گفته او، قربانیان مین در استان سیستان و بلوچستان عمدتاً چوپان‌ها، سوخت‌بران، شهروندان عادی ساکن در مناطق مرزی از جمله زنان و کودکان هستند. این در حالی است که گذرگاه‌های مرزی که در حال حاضر مین‌گذاری شده، در سال‌های گذشته باز بوده و تردد‌های مرزی با بلوچستان پاکستان به راحتی انجام می‌شده است.

آمار دقیقی از شمار قربانیان مین در دست نیست اما اوایل آذرماه ۱۳۹۷، شهروندان ساکن در منطقه جالق سراوان از توابع استان سیستان و بلوچستان، در اعتراض به انفجار مین در این منطقه، ساختمان بخشداری را به آتش کشیدند.

برپایه اعلام منابع حقوق بشری در بلوچستان، یک روز پیش از به آتش کشیده شدن بخشداری، عده‌ای از شهروندان در اعتراض به انفجار مین در مرز کلگان سراوان که سبب کشته شدن یک نفر و مجروح شدن چند نفر از شهروندان این منطقه شد، مقابل این بخشداری تجمع کرده بودند اما پاسخی از سوی مسئولان دریافت نکردند.



هشدار!

در صفحه‌های بعدی این آلبوم
عکس‌های تکان دهنده‌ای نیز
منتشر شده است.



عکس‌ها از بهنام صادقی، مربی مین‌زدایی
و فعال حوزه پاکسازی مین















ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net